

به ابتکار دولت تاجیکستان و دانشگاه صلح سازمان ملل به مناسبت پنجمین سالگرد امضای توافقنامه عمومی صلح و رضایت ملی در محل نمایندگی برنامه رشد سازمان ملل در دوشنبه این کنفرانس بین‌المللی برگزار شد.

مارتین لیز رئیس دانشگاه صلح سازمان ملل کنفرانس را افتتاح و اظهار نمود تجربه روند صلح تاجیکان پدیده‌گرانمایه و نادری می‌باشد که قابل آموزش در کشورهای مختلف از جمله در افغانستان است. لازم است که سازمان ملل متحد این تجربه را عمیقاً مورد مطالعه قرار دهد. وی ضمن تأکید بر نقش شایسته و سازنده آقایان رحمان اف رئیس جمهور و سیدعبدالله نوری رهبر حزب نهضت اسلامی تاجیکستان در تأمین صلح ابراز داشت که سه عامل مهم وجود دارد تا موضوع فوق مورد آموزش قرار گیرد. اولاً مسایل جنگ و نزاع‌های سراسر جهان در مرکز پژوهش‌های بوداپست مورد تحقیق و آموزش قرار گرفته و ثانیاً پیش‌بینی می‌شود که شعبات این مرکز پژوهشی در آسیای مرکزی نیز تأسیس گردد. لذا در این زمینه مدرسان و محققان بخش جلوگیری از بروز مناقشات با مساعدت صندوق ساروس آماده کار خواهند شد. وی افزود مدت یک سال است که پژوهش‌های علمی در زمینه آموزش تجربه صلح تاجیکان و اوضاع آسیای مرکزی ادامه دارد. شرکت‌کنندگان در روند صلح تاجیکان سهم ارزنده‌ای در آموزش و تحقیق مسأله مذکور دارند. از ماه مه تا اوت سال جاری کارشناسان رسمی و غیررسمی بسخس مزبور در بوداپست گردهم خواهند آمد و تبادل

تجربه صورت خواهد گرفت. مسأله اصلی این است که چگونه می‌توان تجربه صلح تاجیکان را در منطقه و سایر کشورها استفاده کرد. در این رابطه این نشست‌ها و کنفرانس‌ها برگزار خواهند شد. ولادیمیر گاریف مشاور ارشد اداره سازمان ملل در امور سیاسی بر نقش فعال سازمان ملل در روند استقرار صلح میان تاجیکان تأکید و اضافه نمود کلیه شرکت‌کنندگان نشست شاهد عینی وقایع و حوادث ده سال اخیر تاجیکستان می‌باشند. آنان در این روند نقش میانجی را داشتند و یا شرکت‌کنندگان فعال این یا آن طرف مخالف یکدیگر بودند. هدف سازمان ملل جلوگیری از بروز مناقشه بود، متأسفانه سازمان ملل در لحظه مناسب نتوانست جلوی بروز این مناقشه را بگیرد. در این میان چهار نفر از مسئولین سازمان ملل در تاجیکستان کشته شدند. مسلماً سازمان ملل متحد فعالیت خود را نه تنها در تاجیکستان، بلکه در هند، پاکستان و سایر کشورها گسترش خواهد داد. لازم به تذکر است که منطقه آسیای مرکزی حساس و آسیب‌پذیر است. مسأله اسلام و اسلام‌گرایی اینجا وجود دارد. ما خواهان صلح برای تاجیکستان هستیم و نمی‌خواهیم که جنگ داخلی در این کشور و سایر مناطق دوباره اوج بگیرد. اکنون، هدف این است که چگونه می‌توان تجربه صلح تاجیکان را در افغانستان استفاده کرد.

شیرین آکینر: امروز در این کنفرانس نمایندگان تاجیکان زیاد نیستند، در صورتی که آنها شرکت‌کنندگان مستقیم وقایع و حوادث هستند. لازم است که علل بروز مناقشات میان تاجیکان تحقیق و تحلیل گردد. رهبران سیاسی و مذهبی از عوامل کلیدی بروز نزاع‌ها میان تاجیکان بودند. مسلماً در این رابطه افراد دیدهای مختلف دارند. تاجیکستان به مناطق گوناگون تجزیه گردید و جنگ داخلی در این کشور شروع شد. وجود محل‌گرایی یکی از علل اصلی بروز جنگ داخلی در تاجیکستان است. رژیم شوروی در گذشته سعی کرده بود اقوام تاجیک را به وجود آورد. این ملت خیلی نازک و زودشکن بود. علاوه بر این، طی سال‌های ۱۹۷۰ تاجیکستان را بحران اقتصادی بیش از سایر جمهوری‌های منطقه فراگرفته بود. سپس مسأله افغانستان پیش آمد و مسایل قاچاق مواد مخدر، فساد و رشوه‌خواری باعث شدند که این کشور ضعیف گردد.

اقتصاد سیاه به وجود آمد. طی سال‌های ۱۹۸۰ روند سیاسی اوج گرفت و مسأله اسلام و اسلام‌گرایی توسعه پیدا کرد و اسلام‌گرایان وارد عمل شدند. طی سال‌های ۱۹۸۷ نخستین حرکت‌های سیاسی از جمله حرکت‌های جوانان اسلام‌گرا به وجود آمدند. ضعف اقتصادی و سیاسی از یک طرف و نفوذ روسیه و ایران و بعداً پاکستان و سعودی از سوی دیگر باعث گردیدند که ناآرامی‌ها و عدم ثبات به وجود آید. ثانیاً رهبری وقت از تجربه کافی اداره سیاسی برخوردار نبود و علاوه بر این فروپاشی شوروی باعث شد که هدایت و رهبری از مرکز (مسکو) قطع گردد. سفر هیأت آمریکا به ریاست وزیر امور خارجه به تاجیکستان چنین واکنش را به وجود آورد که گویی تاجیکستان به غرب گرایش پیدا کرده و مسکو از این عمل پشتیبانی می‌کند، لذا ایران و جهان مشرق زمین پشت جبهه قرار گرفت. مسلمان‌ها متحد شدند و مخالفین اسلامی مطرح شدند. جنگ داخلی سخت، اما کوتاه‌مدت جریان گرفت. هدف اصلی این جنگ به دست آوردن قدرت و بنیاد دولت اسلامی در کشور بود. کارشناسان روسی، روشنفکران تاجیکستان و سایر اقشار جامعه سعی می‌کردند هرچه زودتر کشور را ترک نمایند. امروز تعداد کم روشنفکران در تاجیکستان باقی مانده‌اند. در محل‌ها گروه‌های منطقه‌ای جوانان امور را در دست گرفته‌اند. بیکاری، ضعف اقتصادی و سیاسی، اقتصاد سیاه و قاچاق مواد مخدر و سایر عوامل بر جامعه فشار می‌آورد. معلوم نیست چرا در ب بسیاری از مساجد بسته می‌شوند و اذان از طریق بلندگوها پخش نمی‌شود. متأسفانه امروز اسلام رسمی و غیررسمی در کشور وجود دارد. تهدید بروز جنگ وجود دارد، اما از کجا بروز خواهد کرد، معلوم نیست. سیدعبدالله نوری از ایده بنیاد دولت اسلامی در تاجیکستان صرف‌نظر کرده و بیش از پیش از دولت دنیوی پشتیبانی می‌کند. مسأله سوءاستفاده از اسلام به منظور اجرای اهداف شخصی از سوی دولت وجود دارد. رژیم کنونی از اسلام به منفعت خود استفاده کرده و چنین وضع در ازبکستان نیز مشاهده می‌شود. اسلام کریم‌اف رئیس جمهوری ازبکستان پول‌های زیادی برای آموزش اسلامی جوانان به خرج می‌رساند. معلوم نیست که نتیجه این عمل چه خواهد بود. ممکن است این عمل باعث موج اسلام‌گرایی جدید

گردد. نامبرده خاطر نشان کرد که تجربه روند صلح تاجیکان خاص منطقه آسیای مرکزی است و استفاده از آن در شرایط افغانستان قابل قبول نیست. زیرا در تاجیکستان مسایل محل‌گرایی باعث ظهور قشر جدید در سطح بالایی حکومت به همراه سایر پدیده‌ها گردید. این امر مخصوص این منطقه است. وی افزود تجربه تاجیکان امکان دارد در ازبکستان یا قزاقستان و در دیگر کشورهای شوروی سابق مورد استفاده قرار گیرد.

محمی‌الدین کبیری از حزب نهضت اسلامی تاجیکان گفت: توسعه روند سیاسی موضوعی خیلی مهم است. اینجا راجع به احتمال عدم استفاده از تجربه صلح تاجیکان در افغانستان سخن گفته شد. اما اینجانب معتقدم، لازم است گزینه‌های مختلف و مناسب جستجو و تجربه صلح تاجیکان در افغانستان مورد استفاده قرار بگیرد. صلح در تاجیکستان برقرار شد، کانون‌های دموکراسی بنیاد گردیدند و همه این نکات در توافقنامه صلح عمومی منعقد در مسکو منعکس گردیده است. در افغانستان ساختارهای سیاسی، نظامی و دینی موجود هستند. اتحاد نیروهای مخالفین تاجیک نیز یک ساختار سیاسی، نظامی و دینی در گذشته بود. اما شانس افغانستان برای رسیدن به صلح و ثبات در کشور بیشتر است و احتمال آن وجود دارد که این کشور در ایجاد یک جامعه خاص و منسوب به خود پیشرفت کند و اصول دموکراسی توسعه یافته و حتی نسبت به کشورهای آسیای مرکزی سبقت داشته باشد. نقش احزاب سیاسی، دینی و نظامی بسیار مهم است. احزاب دارای خصوصیات نظامی در آینده می‌توانند به احزاب سیاسی تبدیل و فعالیت خویش را روبه راه کنند. مرحله گذار از خصوصیات نظامی به سیاسی، تجربه صلح تاجیکان در این زمینه بسیار مفید خواهد بود. مایلم چند سخنی راجع به گذشته حزب نهضت اسلامی بیان کنم. رهبری حزب ما در گذشته دارای تجربه کافی فعالیت سیاسی نبود. مجبور بود طبق خواسته‌های مردم عمل کند. آقای تورجان‌زاده در مرحله آغاز جنگ داخلی موضع بی‌طرفی را اختیار کرد. آقای نوری از قابلیت اداره اوضاع برخوردار نبود. تنها در مرحله دوم توسعه حوادث، یعنی در مهاجرت حزب نهضت اسلامی تاجیکستان پس از دریافت نقش متحدکننده کل

نیروهای مخالفین امور سیاسی را به دست خود گرفت. شادمان یوسف از هیأت نیروهای مخالفین خارج شد. عبدالله جان اف به نوبه خود از بلوک نیروهای دولتی خارج گردید. هدف شادمان یوسف و عبدالله جان اف ناتوان و سست نمودن مواضع دوطرف بود، ولی آنها به اهداف خود موفق نگردیدند. تا امروز ۷ حزب سیاسی در تاجیکستان فعالیت خویش را قطع نموده است. حزب نهضت اسلامی از منافع مسلمانان کمتر دفاع می‌کند و بیشتر بامسائل سیاسی مشغول است و نه با دین مبین اسلام. واقعیت این است که دولت به حزب نهضت اسلامی فشار نمی‌آورد و حزب به نوبه خود نمی‌خواهد خود را بی‌آبرو کند.

جامعه باید به حزب فرصت دهد تا از لحاظ توانایی بیش از پیش قدرتمند گردد. حزب نهضت اسلامی تاجیکستان امکان دارد تا دو سال آینده برنامه جدید خاصی پیشنهاد نماید. حزب ما تنها حزبی است که در آسیای مرکزی رسماً فعالیت کرده و گام نهادن به چپ یا راست برای حزب قابل قبول نیست.

سعادت عالم آوا از تاجیکستان: توسعه سیاسی تا زمان آغاز جنگ داخلی به دو گروه تقسیم می‌شد و مردم نیز از تفکر منسوب بودن به این یا آن طرف برخوردار بودند. لذا جامعه به زودی به دو گروه تقسیم شد و پس از به دست آوردن اسلحه در مقابل یکدیگر قرار گرفت. احزاب سیاسی تازه به وجود آمده و هنوز به عنوان نیروی واقعی عمل نمی‌کردند. پس از جنگ داخلی علاقمندی مردم به احزاب سیاسی کاهش یافت. در حال حاضر زبندگان منطقه‌ای هستند که امور را به دست خود گرفته و هدایت‌کنندگان اصلی اراده سیاسی مردم شدند. ضروری است که اشخاص زبده در مرکز از مناطق مختلف کشور تشکیل یابد و بدین وسیله محل‌گرایی در تاجیکستان ریشه کن گردد. عامل دیگر ضعف قدرت در کشور، بی‌علاقمندی مردم نسبت به حکومت است. ۵۰ الی ۵۲٪ مردم با دولت کنونی رابطه‌ای ندارند. حقوق از دولت دریافت نمی‌کنند، از مؤسسات بهداشت، آموزش و پرورش و تأمین اجتماعی استفاده نمی‌شود. همه‌ساله حدود یک میلیون نفر برای دریافت کار به روسیه عزیمت می‌کنند. فرار مغزها مشاهده

می‌شود. رسانه‌های خبری در وضع بسیار بدی قرار دارند. در کشور روزنامه‌ای که هر روز به نشر برسد، وجود ندارد. ۵۵٪ جامعه زنان هستند. آنها را می‌توان صرف‌نظر کرد، زیرا در گذشته و الان رایج بوده و هست که در روستاها مردان به جای زنان پای صندوق‌ها رفته و رأی می‌دهند. مردم جنگ را نمی‌خواهند و آماده هستند کلیه مشکلات و بی‌عدالتی را تحمل کنند. احتمال آن وجود دارد که احزاب از چنین وضع سوءاستفاده کند. با این وجود می‌توان گفت که رژیم کنونی صلح استوار برای ۲۰ سال آینده را تأمین نموده است.

ولادیمیر گاریایف: در تاجیکستان بعضی از فرماندهان صحرایی زمان جنگ داخلی کشته شدند و برخی دیگر فعالیت نیمه سیاسی را پیش گرفتند. فرماندهان محلی جداگانه به وجود آمدند و بعضی از فرماندهان صحرایی مانند رضوان صادراف که در گذشته ریاست ستاد نیروهای دفاع اتحاد مخالفین را برعهده داشتند، از مخالفین و دولت جدا شدند و در مقابل هر دو قرار گرفتند و مسأله مهم در آن زمان این بود که چگونه آقایان سید عبدالله نوری، تورجان زاده و همت زاده با هم توافق کرده و در اداره امور هماهنگی نموده و کلیه کارها را ادامه دادند. تاجیکستان تنها کشوری است که پس از فروپاشی شوروی احزاب مختلف تأسیس و حزب نهضت اسلامی به‌طور رسمی فعالیت خود را شروع نمود. این حزب در پارلمان تاجیکستان نمایندگان رسمی خود را دارد. ما طرفدار این عمل هستیم، اما موقعیت احزاب در جامعه سست است. خانم اکینر در جلسه امروز گفتند که روشنفکران افغانی به‌طور فعال دارند به میهن برمی‌گردند. ولی این امر چندان درست نیست. شخصاً معتقدم که وضع تاجیکستان با اوضاع افغانستان بکلی فرق می‌کند. در کشورهای آسیای مرکزی تقسیم قدرت هنوز هم ادامه دارد. ما امروز مشغول صلح‌سازی در تاجیکستان هستیم و تجربه روند صلح تاجیکان و استفاده از آن در افغانستان مسأله‌ای مربوط به ماست.

گرد مرم نماینده پیشین سازمان ملل در تاجیکستان: متأسفانه دولت و اتحاد نیروهای مخالفین در گذشته نتوانستند فرماندهان صحرایی خود را تحت کنترل خود درآورند. در نتیجه

وقایع نواحی غرم، تاجیک‌آباد و سایر مناطق رخ داد. چند تن از کارمندان سازمان ملل کشته شدند. وی افزود مشکل امروز تاجیکستان فعالیت احزاب سیاسی است که ساعت‌ها راجع به گذشته‌ها می‌توانند صحبت کنند، ولی راجع به فعالیت‌های آینده چیزی نمی‌توانند بگویند. غازی یف از تاجیکستان: عوامل خارجی در وقایع تاجیکستان نفوذ معینی داشت و نظامیان تا مرحله نهایی حفظ گردیده و نقش مهم دولت و مخالفین در این است که از درگیر شدن نظامیان در سیاست جلوگیری کردند.

عبدالنبی ستارزاده معاون وزیر امور خارجه تاجیکستان: اصل تجربه صلح میان تاجیکان از شناخت منافع ملی عبارت است. در افغانستان نیز باید درک کنند که منافع ملی مهم‌تر از سایر موضوعات است. تاجیکان در زمان جنگ داخلی درک کردند که کشور با خطر جدی روبرو است و امکان تجزیه و تقسیم این کشور وجود دارد. منافع ژئوپلتیک روسیه و ایران در مورد تاجیکستان مطابقت داشته و این کشورها علاقه‌مند بودند که صلح در تاجیکستان برقرار گردد. سراسر دنیا را مهاجران افغانی فرا گرفته و بازگشت آنان به میهن بسیار مهم است. باید روند ادغام نیروهای مخالف در افغانستان در زمینه وسیع صورت بگیرد. لازم است که روند دموکراتیک شدن جامعه توسعه پیدا کند. سازمان‌های امنیت و همکاری اروپا، سازمان ملل و غیره فعالیت خود را هماهنگ و مشترکاً عمل کنند. لازم است که در جامعه گفتگوی میان گروه‌ها انجام یابد. دیروز در افغانستان بعضی نیروهای سیاسی موجود پیشنهاد کردند که کمیسیون آشتی ملی شروع به فعالیت نماید. وقتی که اتحاد نیروهای مخالفین از سوی جامعه جهانی مورد شناسایی و اعتراف قرار گرفت، مسأله آشتی دادن طرف‌ها پیش آمد و در نتیجه جنگ داخلی فقط به پیروزی ملت و مردم تاجیکستان به پایان رسید. در تهران هنگام دور نوبتی مذاکرات میان تاجیکان مسأله شرکت نیروی سوم در گفته‌های عبدالله جان‌اف به میان آمد. خوشبختانه طرف‌های مخالف این پیشنهاد را قبول نکردند.

پتروف نماینده ویژه سازمان ملل در تاجیکستان: نخستین مذاکرات مقدماتی میان

تاجیکان در سال ۱۹۹۳ شروع شد و در خارج از تاجیکستان صورت گرفت که بعداً این کشورها تضمین‌کننده صلح تاجیکان شدند.

سیدرسول موسوی سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان: در ۲۷ ژوئن ۱۹۹۷ امامعلی رحمان‌اف ریاست جمهوری تاجیکستان و سیدعبدالله نوری رئیس اتحادیه مخالفین تاجیک توافقنامه عمومی استقرار صلح و آشتی ملی در تاجیکستان را منعقد نمودند. امضای توافقنامه عمومی صلح، به چهار سال جنگ در تاجیکستان که سال ۱۹۹۲ شروع شده بود، خاتمه بخشید.

توافقنامه عمومی استقرار صلح و آشتی ملی در تاجیکستان (توافقنامه عمومی) در جریان ۸ دور مذاکرات میان نمایندگان دولت تاجیکستان و اتحادیه مخالفین تاجیک، ۶ جلسه میان ریاست جمهوری تاجیکستان و رئیس اتحادیه مخالفین تاجیک و همچنین ۳ دوره مشورت میان نمایندگان به امضا رسیده است.

روند صلح تاجیکستان را می‌توان به ۳ دوره تقسیم کرد:

۱. دوره میانجیگری؛

۲. دوره مذاکرات؛

۳. دوره اجرا.

مسلم است جهت رسیدن به دوره اجرا بدون گذار از دوره‌های میانجیگری و مذاکرات غیرامکان است و لذا دستیابی به اهداف ذیل برای عبور از دوره گذار لازم بود.

۱. ادغام ۳۰٪ نمایندگان اتحاد مخالفین تاجیک به ساختار اجرایی دولت.

۲. بازگشت مهاجرین؛

۳. انحلال، خلع سلاح و ادغام رزمندگان مخالفین در ساختار قدرتی دولت؛

۴. اصلاح ساختار قدرتی دولت؛

۵. اصلاح در قانون اساسی؛

۶. اصلاح قانون انتخابات، قانون احزاب سیاسی، قانون در خصوص رسانه‌های گروهی؛
 ۷. تبادل کامل اسیران جنگ و سایر افراد بازداشت شده.
 ۸. اجرای قانون عفو و تصویب سند عفو دو جانبه.
 ۹. تأسیس کمیسیون مرکزی انتخابات جهت برگزاری انتخابات و رفراندوم با شرکت ۲۵٪ نمایندگان اتحادیه مخالفین تاجیک در ترکیب آن.
 ۱۰. تعیین تاریخ برگزاری انتخابات پارلمانی؛
- صلح کامل بدون اجرای ۱۰ بندی که در بالا ذکر شد، امکان پذیر نبود و لازم بود ضمانت اجرای آنها تهیه گردد. ضمانت اجرای توافقنامه عمومی به شرح ذیل می‌باشد:
۱. حسن نیت هر دو طرف تاجیکی و تعهدات آنها جهت رسیدن به صلح و آشتی ملی؛
 ۲. توافقات و پروتکل‌های منعقد شده جهت کمک به اجرای توافقنامه عمومی؛
 ۳. وظایف اساسی و تعهدات کمیسیون مصالحه ملی در جهت همگرایی؛
 ۴. فعالیت‌های سیاسی و اخلاقی کشورهای تضمین‌کننده (افغانستان، ایران، قزاقستان، قرقیزستان، پاکستان، فدراسیون روسیه، ترکمنستان و ازبکستان)؛
 ۵. نظارت بر اجرای توافقات عمومی از سوی گروه تماس.
- مکانیسم اساسی جهت اجرای توافقنامه عمومی کمیسیون مصالحه ملی بود که سه وظیفه اساسی داشت:
۱. اجرای توافقنامه منعقد شده در جریان مذاکرات میان تاجیکان؛
 ۲. افزایش فضای اعتماد و بخشش در دو طرف؛
 ۳. ابتکار در انجام مذاکرات میان نیروهای مختلف سیاسی کشور.
- فعالیت‌های گروه تماس براساس ماده ۴ پروتکل ضمانت اجرای توافقنامه عمومی منعقد شده در تاریخ ۲۸ مه ۱۹۷۷ در تهران به امضا رسیده است. گروه تماس ضامن اخلاقی و سیاسی اجرای توافقنامه صلح بود، وقتی که کمیسیون مصالحه ملی فعالیت خود را قطع و

UNMOT (آن زمان ناظر ویژه سازمان ملل در امور نظارت بر صلح تاجیکستان بود) کشور را ترک کرد.

آنچه از درس‌های روند صلح تاجیکستان را می‌توان در افغانستان استفاده کرد.

۱. اساس و بنیاد برای رسیدن به صلح موفقیت‌آمیز حسن نیت طرفین می‌باشد.

۲. لازم است توافقنامه عمومی به امضا برسد تا همه موضوعات و کلیه وظایف طرفین را نشان دهد.

۳. لازم است گروه ویژه جهت نظارت بر اجرای توافقنامه عمومی و فعالیت‌های داخلی که مسئول روند صلح می‌باشد، تأسیس شود.

محمی‌الدین کبیری: واقعاً روند مذکور خاص تاجیکان بود و جنگ نیز جنگ تاجیکی بود و آن در حقیقت از سایر استانداردها فرق می‌کند. مسایلی که کمیسیون آشتی ملی نمی‌توانست طی ماه‌ها و حتی یک سال تمام حل و فصل کند، رهبران دو طرف طی یک نشست ده دقیقه‌ای روبه روی می‌توانستند حل و فصل کنند. آیا طرف سوم می‌توانست وارد مذاکره گردد، من می‌گویم که خیر، چرا که این نزاع دو طرف بود. اصل نزاع را بحث ایدئولوژی تشکیل می‌داد. جوانان به کوچه و خیابان‌ها به خاطر اسلام و ایدئولوژی ریخته بودند و نه به خاطر رسیدن به مقام و منسب.

خانم سعادت عالم آوا: استان سغد از مرکز جدا بود و رابطه‌ای با مرکز نداشت. لذا عبدالله‌جان اف را افراد نزدیک به وی بی‌آبرو کردند. الان در شمال کشور روند اسلامی‌سازی در میان جوانان جریان دارد و امکان دارد طی ۱۵ الی ۲۰ سال آینده نزاع جدید بروز کند.

ارکین رحمت‌الله‌یف مشاور دولتی رئیس جمهور: اخیراً مجله «آسیای مرکزی» مقاله آقای عالم اف را به چاپ رساند. در مقاله، علل جنگ داخلی در تاجیکستان را مبارزه بین گروه‌های منفعت‌جویی و کشورهای خارجی ذی‌نفع و بین کمونیست‌ها و اسلام‌گراها دانسته است. من فکر می‌کنم که جنگ داخلی در نتیجه عدم توازن بین مناطق مختلف کشور تحت

شعارهای اسلام‌گرایی و دفاع از ایده‌های کمونیستی سازمان داده شد. با این وجود روند دموکراتیک‌سازی جامعه در کشور ادامه دارد. سلسله قوانین در رابطه با فعالیت احزاب به تصویب رسیده است. اینجا مسأله محل‌گرایی مطرح گردید. اینجانب چنین می‌شمارم که محل‌گرایی پدیده ناخوش‌آیندی است، ولی در روند مذاکرات صلح از مجموع ۹ نفر ۳ نفر نمایندگان شمال تاجیکستان بودند.

مرحوم آته‌خان لطیفی، نیازاف و ستارزاده که در جریان مذاکرات شرکت نمودند، نمایندگان شمال کشور بودند و هستند.

سیدرسول موسوی: نقش گروه تماس کشورهای تضمین‌کننده صلح در استقرار صلح در تاجیکستان بسیار مهم است. فکر می‌کنم تأسیس چنین گروه در افغانستان نیز مفید خواهد بود. گرانت اسمیت سفیر سابق آمریکا در تاجیکستان: چند سال پیش گروه کشورهای ۲+۶ در رابطه با مسأله افغانستان تأسیس گردید. کشورهای اعضای گروه مذکور می‌توانند نقش گروه تماس را بازی کنند. در رابطه با وضع تاجیکستان می‌توان گفت که اقتصاد این کشور در مقایسه با زمان شوروی به مراتب عقب افتاده است. کارخانه‌ها فعال نیستند و سطح فقر به مراتب بالا رفته است. لازم است که توازن بین سیاست و اقتصاد وجود داشته باشد. واقعاً وقتی سیاست از اقتصاد فاصله گرفت، مشکلات زیادی به وجود می‌آید.

زلمی عزیز از کشور افغانستان راجع به کنفرانس سران کشورها در توکیو و تعهدات آنان در مورد کمک‌های مالی و مادی سخن گفت و افزود که متأسفانه کشورهای مترقی جهان طبق تعهدات خود عمل نکردند. مبلغ کمک کشورهای شرکت‌کننده در جلسه توکیو معادل ۱/۸ میلیارد دلار بود. امروز برای جلوگیری از کشت مواد مخدر برای هر نفر زمین دار از سوی دولت موقت افغانستان حدود ۳۰۰ دلار پرداخت می‌شود. هزارها هکتار زمین زیر کشت حشیش و تریاک نابود ساخته شد.

دولت حیات‌خان مدیرکل اکو در وزارت خارجه پاکستان: با وجود این که کشور وی با فقر

روبرو است، پاکستان ۱۵٪ از مجموع مبلغ تعهد نموده خود را در اختیار افغانستان قرار داده است. افغانستان در قلب آسیای جای گرفته است و اگر افغانستان به اصطلاح بیمار است، پس تمام منطقه با بیماری گرفتار خواهد بود. گروه ۲+۶ با شرکت ایران برای آرامی و ثبات افغانستان کارهای زیادی را به انجام رسانده است. قرار بود برای تاجیکستان نیز کمک‌های پولی و مالی صورت بگیرد، ولی تاجیکستان از مجموع کمک‌ها فقط ۱۵٪ آن را دریافت کرد.

عبدالنبی ستارزاده: اینجا من می‌خواهم چند افسانه‌ای که در رابطه با افغانستان است، بیان کنم. مثلاً افغان‌ها حضور خارجی‌ها در کشورشان را تحمل ندارند و این که آنها مخالف دولت متمرکز هستند و یا بیشترین سکنه افغانستان پشتون‌ها می‌باشند و این گونه سخنان در اصل دروغ است.

ارکین رحمت‌الله یف: کرزای را نمایندگان ممالک غرب معرفی و پیشنهاد کرده‌اند، لذا وی توانست طی شرکت در ۴ الی ۵ کنفرانس قول ضمنی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی مبنی بر کمک مالی حدود ۱/۸ میلیارد دلار اخذ نماید.

ارسالی از سفارت جمهوری اسلامی ایران - دوشنبه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی